بازتاب انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان‌المسلمین سوریه

دکترعنایت‌اله یزدانی[1]
طالب ابراهیمی[2]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۸/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران بنظر بیشتر کارشناسان مسائل خاورمیانه بار دیگر آتش زیرخاکستر جنبش‌های سیاسی اجتماعی اسلامی را در جهان برافروخت، به گونه‌ای که جهان در بیشتر این کشورهای اسلامی در دهه ۱۹۸۰ و۱۹۹۰ بارها شاهد خیزش حرکت‌های اسلامی بوده است. از طرفی انقلاب اسلامی ایران، پدیده مهم قرن بیستم، دارای پیامدهای زیادی درسطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده که از جمله آنها می‌توان تأثیرگذاری بر جنبش‌های اسلامی، احیای مجدد در روحیه اسلام‌گرایی و به عبارت غربی‌ها، بنیادگرایی اسلامی را نام برد. اگرچه رویکردهای انقلابی در اسلام معاصر عموماً در قالبی بنیادگرایانه شکل گرفت اما قراردادن بنیادگرایی اسلامی در زیرمجموعه کلی بنیادگرایی کج‌فهمی است.

بی‌شک اثبات اثرگذاری انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی و به تبع آن بر جنبش‌های اسلامی معاصر، امری است مشکل، هم به لحاظ کلامی متغیر و هم پیچیده شدن تحلیل و تئوری. به‌طورکلی دو طریق اثرگذاری انقلاب اسلامی قابل طرح است:

۱- اعترافات و اطلاعات مستقیم آشکار و بدیهی

۲- تحلیل، استدلال و اثبات غیرمستقیم.

در اینجا این سوال مطرح است: که انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان‌المسلمین سوریه چه تأثیری داشته است؟

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، سوریه، اخوان‌المسلمین، اسلام، جنبش‌های اسلامی.

---

[1]. دانشیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان Email:yazden2006@yahoo.com
[2]. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه اصفهان

مقدمه

امام خمینی دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران فرمودند: (انقلاب ما منحصر به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران آغاز انقلاب بزرگ جهان اسلام است). (امام سیدروح‌الله موسوی خمینی(ره)، ۱۳۷۲: ۹۲).

گسترش موج حرکت‌های اسلامی و اوج‌گیری نهضت‌های بنیادگرایی در منطقه و کشورهای مسلمان به یکی از عمده‌ترین پدیده‌های سیاسی دهه ۱۹۸۰-۱۹۷۰ و در واقع نیمه دوم قرن بیست تبدیل شده است. اگرچه انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب شیعی شناخته شده است اما عقیده مشترک؛ یعنی اعتقاد به وحدانیت خدا، رسالت پیامبر، قرآن، ایمان، برادری، برابری و... از طرفی ویژگی کاریزمایی امام خمینی(ره) و مواضع ضداستعماری وی (که بیشتر مسلمانان جهان اتفاق نظر دارند) باعث تأثیرپذیری در این جنبش‌ها گردید. به اعتقاد بسیاری از رهبران این جنبش‌ها، گام‌های امام مانند ایجاد دارالتقریب فرق اسلامی، برپایی روز قدس، صدور فتوای ایشان علیه سلمان رشدی، برگزاری هفته وحدت و... در جهت اتحاد مسلمانان مهم بوده است. به همین دلیل جای شگفتی نیست که طیف گسترده‌ای از گروه‌های غیرشیعی و حتی جنبش‌های آزادی‌بخش، انقلاب اسلامی ایران را الگو و اسوه خود قرار داده‌اند.

در مجموع می‌توان در خصوص زمینه‌های تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی، به عقیده مشترک، ویژگی کاریزمایی امام‌خمینی(ره)، دشمن مشترک، اعتقاد به توده‌ها، هدف مشترک در تشکیل حکومت اسلامی و... اشاره کرد. قطع نظر از این موارد انقلاب اسلامی ایران صرفاً به علت هم مسلک بودن و حمایت از مواضع آنها در مخالفت با وضع موجودشان (این جنبش‌ها از قدیم‌الایام از روند سیاسی کنار گذاشته شده بودند) مورد استقبال این جنبش‌ها قرار گرفت.

در این مقاله سعی شده است که به صورت اجمالی به بررسی علمی تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان‌المسلمین سوریه پرداخته شود. در این راستا سئوال زیر قابل طرح است:

انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی اخوان‌المسلمین سوریه چه تأثیری داشته است؟ و روند تشکیل، گسترش و فعالیت جنبش اسلامی اخوان‌المسلمین سوریه چگونه بوده است؟

مفروض مقاله این است که: انقلاب اسلامی ایران باعث رادیکالی شدن وافزایش فعالیت رفتاری جنبش اسلامی اخوان‌المسلمین سوریه شده است.

کشور سوریه و پیشینه تاریخی آن

سوریه کشوری با مساحت ۱۸۵,۱۸۰ کیلومترمربع و جمعیتی بالغ بر ۲۹ میلیون نفر می‌باشد. این کشور از شمال به ترکیه، از غرب به لبنان و دریای مدیترانه، از جنوب به اردن و فلسطین و از شرق به عراق محدود می‌شود. بیش از ۷۰٪ جمعیت آن مسلمان اهل سنت ۱۰٪ مسیحی (شامل ارامنه) ۲ الی ۳٪ شیعه دوازده امامی که بیشتر در شهر دمشق و بصری و روستاهای اطراف حمص و حلب ساکنند، بیش از ۱۲٪ از جمعیت این کشور را علوی‌ها تشکیل می‌دهند که در استان های لاذفیه، طرطوس، حمص و اطراف مصیاف پراکنده هستند، حدود ۳٪ از جمعیت سوریه دروزی هستند که مرکز تجمع آنان استان سویداء واقع در جنوب سوریه است و قریب ۱٪ از سوری‌ها را اسماعیلی‌ها تشکیل می‌دهند (سوریه،۱۳٦۲:۱۰).

سوریه در ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد به دست مصری‌ها افتاد و پس از آن فنیقی‌ها، آسوری‌ها، ایرانیان و یونانیان هر یک مدتی بر آن حکومت نمودند، در سال ٦٤ قبل از میلاد سوریه به دست امپراتوری روم افتاد، در سال ٦۳٦ میلادی تحت کنترل اعراب قرار گرفت، در سال ۱۹۷۷ قسمت شمالی سوریه به امپراتوری بیزانس واگذار شد و بقیه کشور در دست فاطمیان باقی ماند و در سال ۱۰۲۷ میلادی به دست حکام حلب افتاد، پس از آن در سال ۱۰۷۵ میلادی به تصرف سلجوقیان درآمد، در زمان جنگ‌های صلیبی قسمت‌هایی از آن در دست صلیبیون قرار گرفت و پس از مدتی سلسله قدرتمند مملوک توانست صلیبیون را شکست دهد، در سال ۱۵۱٦ ترکان عثمانی توانستند سوریه را ضمیمه امپراتوری خود کنند و تا پایان جنگ جهانی اول بر آن مسلط باشند، پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی براساس موافقت‌نامه سایکس‌پیکو نواحی ساحلی سوریه و لبنان در اختیار فرانسویان، مناطق جنوبی زیر نظر انگلستان و تنها مناطق مرکزی شامل حلب، حمص، حماه و دمشق در دست اعراب و زیر نظر ملک‌فیصل پسر حسین (شریف مکه) باقی‌ماند (سوریه،۱۳٦۲:۲۵).

ملی‌گرایان سوریه در مارس ۱۹۲۰ سوریه را یک پادشاهی مستقل شامل لبنان و فلسطین اعلام کردند اما فرانسه که در آوریل همان سال از سوی کنفرانس سن‌رمئو سرپرست تمام سوریه شده بود در ماه ژوئیه دمشق را اشغال کرد. در سال ۱۹٤۱ نارضایتی سوری‌ها به شکل شورش علنی تجلی یافت و دولت فرانسه احتمال برپایی یک دولت نیمه مستقل را نوید داد سرانجام انتخابات دولت ملی در اوت ۱۹٤۳ برپا شد

و شکری القوتلی رئیس‌جمهور سوریه گردید. در سال ۱۹٤٥ فرانسویان و در سال ۱۹٤٦ انگلیسی‌ها از سوریه خارج شدند و استقلال کامل سوریه حاصل گشت.

سوریه پس از استقلال دچار یک دور طولانی از بی‌ثباتی شد و تعاملات پیچیده اقتصادی با لبنان (۱۹٥۰–۱۹٤۸) و طرح‌های گوناگون برای وحدت با عراق و مصر، افکار عمومی کشور و اتحادیه عرب را در دو جهت مخالف یکدیگر قرار داد و در این مدت دولت دمشق همراه مصر و عربستان در برابر عراق و اردن صف‌آرایی نمود، این رقابت‌ها و همچنین ناتوانی در جنگ ۱۹٤۸ فلسطین و وابستگی مستمر مالی به فرانسه به ناآرامی مردم دامن زد و پیش درآمد مناسبی برای چندین کودتا شد. در سال ۱۹٥۸ مصر و سوریه با هم متحد شدند و جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور جمهوری متحد عربی شد، این اتحاد تا سال ۱۹٦۱ ادامه داشت، در سال ۱۹٦۳ حزب بعث به قدرت رسید.(سعیدی، ۱۳۷٤: ۹۸) و اقداماتی چون ملی‌کردن بانک‌ها و موسسات صنعتی، انتقال زمین‌های کشاورزی به روستائیان تهیدست، ملی‌کردن صنایع نساجی، مواد غذایی، بازرگانی خارجی، حمل و نقل و شرکت‌های بیمه را انجام داد.

این حزب اهدافی را در سیاست‌گذاری خود دنبال می‌کند که عبارتند از:

– میهن عربی واحد سیاسی و اقتصادی تجزیه ناپذیر است.

– ملت عرب یک واحد فرهنگی است و تمام اختلافات آن با بیداری اعراب از بین خواهد رفت.

– میهن عربی از ان اعراب است و فقط آنان حق دارند امور اعراب را اداره کنند، از ثروت‌های آن بهره ببرند. و سرنوشت آن را به دست گیرند (سعیدی، ۱۳۷٤ :۱٥).

مبارزات درون حزبی در حزب بعث ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۹۷۰ حافظ اسد با پشتیبانی ارتش به قدرت رسید.(سعیدی، ۱۳۷٤: ۱۰۲) و تا سال ۲۰۰۰ که فوت کرد قدرت را در اختیار داشت پس از او فرزندش بشار اسد قدرت را به دست گرفت.

براساس قانون اساسی ۱۹۷۳ جمهوری عربی سوریه کشوری دموکراتیک خلقی و سوسیالیستی نامیده شد که رژیم آن جمهوری، حاکمیت از آن ملت، دین رئیس‌جمهور اسلام، حزب سوسیالیست بعث عربی، حزب حاکم جامعه و کشور است و رئیس‌جمهور برای یک دوره هفت ساله انتخاب می‌شود، دارای یک مجلس است که ٥۰/۸ درصد کرسی‌ها متعلق به بخش کارگران و کشاورزان و ٤۹/۲ درصد مابقی کرسی‌ها متعلق به دیگر اقشار مردم می‌باشد.(سعیدی،۱۳۷٤: ۱۰۳) رئیس‌جمهور توسط مردم انتخاب و کابینه، مجلس خلق و مؤسسات نظامی و غیرنظامی سوریه مستقیماً زیر نظر ریاست‌جمهوری اداره می‌شود.

۱. روند تشکیل، گسترش و فعالیت جنبش اسلامی اخوان‌المسلمین سوریه

جهت درک بهتر جنبش اخوان‌المسلمین سوریه ابتدا باید به طور مختصر اخوان‌المسلمین مصر را شناخت چرا که جنبش اخوان در سوریه شعبه‌ای از اخوان‌المسلمین مصر می‌باشد. اخوان‌المسلمین مصر در سال ۱۹۲۸ به رهبری حسن البنا در اسماعیلیه مصر بنیاد گرفت و اصلاً زاییده مقتضیات سیاسی و اجتماعی مصر در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بود که از آن جمله رواج بی‌دینی میان روشنفکران و درس‌خواندگان، گسترش فکر علمانیت (سکولاریسم) پس از کمال آتاتورک، برانگیخته شدن احساسات سیاسی مصریان در پی انقلاب سال ۱۹۱۹ ضد انگلیس و آرزوی همگانی ایشان به بهبود اوضاع داخلی مصر باید یاد کرد. ولی اگر اخوان از یکسو برای حاکمیت تعالیم اسلامی بر زندگی اجتماعی و سیاسی مصری می‌کوشیدند و می‌خواستند معتقدات اسلامی مصریان را از حالت ایستا و بی‌اثر خود بیرون آورند. هدف دیگر آنان تحقق یگانگی عرب و برافکندن یوغ آن قدرت‌های اروپایی بود که به وطن اسلامی دست درازی کرده‌اند (عنایت، ۱۳۵۸: ۲٤۰).

اخوان مصر دارای یکسری اصول بود که عبارتند از:

۱. اصل علمی: تفسیر و توضیح کامل قرآن حکیم با بازگشت به اسلام اصیل و زدودن غبار قرون از چهره آن و پاک کردن هرچه ناخالصی و دروغ و خرافات از ساحت مقدس آن.
۲. اصل عملی: متحد ساختن ملت مصر و ملل‌اسلامی بر پایه اصول قرآنی، و تربیت نسل جدید بر مبنای اصول آن تا ملت آینده ملتی قرآنی باشد.
۳. اصل اقتصادی: رشد ثروت ملی و حفاظت از آن، بالابردن سطح زندگی، عدالت اجتماعی، تضمین فرصت‌های برابر برای همگان، محدود کردن نفوذ خارجی در اقتصاد مصر و تشکیل اتحادیه‌های کارگری به منظور ارتقای سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی زحمت کشان.
٤. اجتماعی نو دوستانه: خدمات اجتماعی، تلاش برای محو جهل و بی‌سوادی، بیماری، فقر و تشویق به کارهای مفید و سودآور.
۵. ناسیونالیستی و میهن دوستانه: آزادی رود نیل و تمامی کشورهای عربی و سرزمین‌های اسلامی از چنگال خارجیان، کمک به اقلیت‌های اسلامی در تمامی سرزمین‌ها برای آنکه بتوانند حقوق از دست رفته خویش را به دست آوردند.

٦. انسان گرایانه و جهانی: ترغیب و ایجاد جامعه‌ای بر مبنای اصول اخلاقی از طریق قوانین جهانی اسلام.
۷. برپایی حکومت اسلامی
۸. اتحاد عرب و اتحاد جهان اسلام (موسوی الحسینی، ۱۳۷۵: ۸۵ – ۸۱).

ماده دوم آیین‌نامه اخوان‌المسلمین بیان می‌کند که اخوان‌المسلمین حرکتی جهانی و اسلامی است که در راه رسیدن به آرمان‌های اسلامی تلاش می‌کند، بنابراین اخوان خواهان روندی تصاعدی بودند که از اتحاد ملی آغاز می‌شد و در گذار از اتحاد عرب، به اتحاد اسلامی می‌انجامید، به عقیده آنان، هیچکدام از این سه ایده با همدیگر ناسازگار نیستند، زیرا اسلام همه افراد بشر را ملزم می‌سازد که به بهترین وجه ممکن به وطن و ملت خویش خدمت کنند بر این اساس باید شعب گوناگون اخوان در خارج از مصر تأسیس می‌شد تا اتحاد عربی و سپس اسلامی به وجود آید و قوانین اسلامی حاکم شود.

اخوان‌المسلمین سوریه در سال ۱۹۳۵ در شهر حلب به وسیله مصطفی السیاعی با تأسی از اخوان مصر به منظور مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه و سر و سامان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی و رفع شکاف موجود بین جهان عرب از طریق احیای اسلام به وجود آمد. همچنین عواملی چون لزوم همکاری با اعراب در بازپس‌گیری فلسطین اشغالی و برگزیدن برخی از رهبران و اعضای اخوان‌المسلمین مصر در سوریه که پس از انحلال آن در سال ۱۹٥٤ صورت گرفت (اشکوری، ۱۳۷۸:۳۳۳).

در سال ۱۹۳۷ گروه کوچکی از جوانان سوری مرکب از دانشجویان دانشگاه‌ها و طلاب علوم دینی تصمیم گرفتند مسئولیت جنبش اخوان‌المسلمین را در سوریه به عهده گیرند، آنها می‌خواستند تحت همان عنوان مشخص شوند و سازمانی رسماً وابسته به جنبش به وجود آورند، اما به علت خشونت رژیم قیمومت (فرانسه) مجبور شدند تحت عناوین مجازی فعالیت کنند. انجمن‌های مجاز دارالارقم (خانه ارقم) در حلب تأسیس گردید و سپس انجمن اخوان‌المسلمین در حماه انجمن‌های دیگری نیز در بیروت، طرابلس، دیرالزور و لاذقیه برپا شدند. به‌طورکلی آنها گروهی واحد با نام‌های متعدد بودند. آنها یکدیگر را به نام «شباب محمد» (جوانان محمد) می‌شناختند. این گروه‌ها علاوه بر توجه به مسائل فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی دو سازمان شبه نظامی سرایا و فتوه را به وجود آوردند.

در سال ۱۹٤٤ کنفرانسی در حلب برگزار گردید، در این اجلاس تصمیم بر آن شد که اداره مرکزی آن شهر منحل و کمیته مرکزی عالی «مرکب از نمایندگان تمامی

مراکز» در دمشق تشکیل گردد. قرار بود کمیته مرکزی مذکور دارای دفتری دائمی به ریاست سرپرست کل شیخ‌مصطفی السباعی گردد و جلسات منظمی برگزار نماید، نماینده‌ای از اخوان‌المسلمین مصر در این کنفرانس شرکت کرد، پس از تماس با کنفرانس اخوان‌المسلمین در مصر و فلسطین، قرار شد تمامی انجمن‌های پراکنده که در خط و مسیر اخوان‌المسلمین حرکت می‌کردند، تحت عنوان « اخوان‌المسلمین» گرد آمده و آیین‌نامه خود را یگانه نمایند. با اتحاد در نام و اهداف، انجمن‌های مذکور قدم به مرحله جدیدی نهادند و قدرت و اعتبار بیشتری کسب نمودند. خانه نشر و چاپ عرب (دارالطباعه و النشر العربیه) در حلب تأسیس شد که روزنامه المنار را منتشر می‌ساخت که هنوز هم در سوریه به فعالیت‌های انتشاراتی خود ادامه می‌دهد، (هر چند دیگر سخنگوی رسمی اخوان‌المسلمین نیست) و همچنین کارخانه نساجی به همت اخوان‌المسلمین دائر گردید.

پس از وحدت مراکز سوریه و لبنان در عنوان و اهداف با اخوان‌المسلمین مصر در سال ۱۹٤٦، کنفرانس دیگری در یبرد تشکیل شد و در آن اهداف و برنامه‌های اخوان‌المسلمین سوریه بدین شرح اعلام گردید:

الف) آزادی و اتحاد ملت و حمایت و پشتیبانی از مکتب آن و تنظیم قوانین اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر مبنای اسلامی.

ب) اخوان‌المسلمین حزبی چون احزاب دیگر نیست. هدف آنان نه تبلیغ شعارهای اصلاح‌طلبانه، که اصلاح است. اصلاحی که از ویژگی‌ها و بینش دینی مقدس ملت برمی‌خیزد. برای رسیدن به این هدف آنها با امپریالیسم در تمامی جنبه‌ها و شکل‌هایش می‌جنگند و به هر جنبش ناسیونالیستی ضدامپریالیستی، که در جهت اعتلای سرزمین آبا و اجدادی اسلام می‌جنگد کمک می‌کند و این جنبش تمامی ابعاد اقتصادی، اخلاقی، ملی، سیاسی، فرهنگی، رزمی و سایر جنبه‌های اصلاحی را در بر می‌گیرد، زیرا حرکت ایشان اسلامی بوده و اسلام دینی کامل و جامع می‌باشد.

ج) اخوان‌المسلمین، ملت را به طور کل و جدای از اختلافات فرقه‌ای به همکاری فرا می‌خواند و همه تلاش‌هایی را که در جهت متفرق کردن و جداسازی صفوف ملت به نام مذهب یا دین بکار می‌رفت، محکوم می‌کرد و بر این اعتقاد بود که این گونه تلاش‌ها، نهایتاً به نفع امپریالیسم خواهد بود.

د) با توجه به مشکلات داخلی، آنان خواستار رفرمی بنیادین در حکومت از راه اجرای بی‌طرفانه قوانین بودند. آنان همچون اخوان‌المسلمین مصر، خواهان رفرمی حکومتی بر مبنای اسلام شدند و مردم را به توجه بیشتر به فرهنگ، اخلاق، تحصیلات، امور

اقتصادی، کشاورزی و صنعتی فراخواندند.

هـ) در مورد مذهب، آنان از اینکه فرقه‌ای مذهبی جلوه کنند پرهیز داشتند، آنان معتقد بودند که حرکتشان بازگشت به سوی تعالیم اساسی و حقیقی ادیان است و تمامی ادیان در امور ویژه‌ای یکسان و مشترک هستند.

آنان که گمان می‌برند حرکت ایشان اختلافات فرقه‌ای را دامن می‌زند در واقع از روح و طبیعت ادیان غافلند. اخوان معتقد بود در پیام ایشان شناختی نهفته است که تمامی خلق‌ها را به سوی هدفی واحد فرا می‌خواند و حرکت ایشان به حد کافی سعه صدر دارد که بتواند مبلغین مسیحی را نیز در خود بپذیرد و با آنان به گفتگو بنشیند.

اخوان‌المسلمین به رشد خود ادامه داد. در طی جنگ فلسطین، گردانی رزمی به فرماندهی شیخ‌مصطفی السباعی سرپرست کل اخوان‌المسلمین سوریه تشکیل شد. (موسوی الحسینی، ۱۳۷۵: ۱۳۵-۱٤۰).

شکست ۱۹٤۸ اعرب از اسرائیل به توسعه و گسترش اخوان کمک کرد همین امر باعث شد تا سرهنگ ادیب شیشکلی در سال ۱۹۵۲ به سرکوب آنها بپردازد و طی فرمانی انحلال آنها را به اتهام داشتن رویکردهای سیاسی، با وجود اینکه گروهی صرفاً مذهبی هستند اعلام نماید.

اخوان در دوران وحدت مصر و سوریه (۱۹۵۸ تا ۱۹٦۱) فعال نبود، زیرا بیشتر حامیان سنی شهری و طبقه متوسط آن به طرف ناصر گرایش پیدا کردند. در واقع سباعی در ۱۹۵۸ جهت برآوردن آرزوهای ناصر، گروه خود را منحل اعلام کرد. پس از جدایی مصر و سوریه اخوان توانست ده کرسی در پارلمان را به دست آورد اما این موفقیت، زمان کوتاهی به طول انجامید و پس از قدرت یافتن حزب بعث در مارس ۱۹٦۳ اخوان به شدت سرکوب شد و عصام عطار رهبر جدید اخوان تبعید شد.

حزب بعث به عنوان حزبی سکولار بشمار می‌رفت که خواهان جدایی دین از سیاست است و دخالت مذهب در اداره امور سیاسی و اجتماعی را تحمل نمی‌کند، که این تفکر سکولاریزه در تمامی سال‌ها جریان داشته و حتی امروزه حکومت سوریه به عنوان سکولارترین کشور عرب بشمار می‌رود. بالطبع اخوان‌المسلمین همواره نسبت به سکولاریزه کردن کشور حساس بوده و واکنش نشان داده است (بن‌چناری،۱۳۸۲:۱).

بعد از شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹٦۷ در اثر شکاف میان گروه میانه‌رو طرفدار عطار در دمشق و طرفداران جهاد در شهرهای شمالی کشور اخوان‌المسلمین منشعب شد. رهبری اخوان شمال را امین یاغان، عدنان سعید و عدنان سعدالدین به‌عهده داشتند و معتقد بودند تنها از طریق یک مبارزه مسلحانه می‌توان رژیم حافظ

اسد را سرنگون کرد (دکمجیان ،۱۳۸۳:۲۰۵).

در ۱۹۷۳ به هنگام تدوین قانون اساسی غیرمذهبی از سوی حافظ اسد، شورش‌ها و تظاهرات وسیعی به رهبری اخوان درگرفت، اسد فوراً به اصلاح قانون اساسی دست زد و مقرر شد که رئیس‌جمهور همیشه باید مسلمان باشد. اسد برای خنثی کردن انتقاد بدگویان بنیادگرای خود در سال ۱۹۷٤ به حج عمره رفت و از آن زمان طبق معمول در نمازهای جمعه یکی از مساجد دمشق شرکت کرده است.

طی سال‌های اواسط دهه ۱۹۷۰ عدنان سعدالدین رهبری اخوان‌المسلمین را به دست گرفت و چند مرحله جهاد را علیه رژیم بعث به وجود آورد. علت این اقدامات نقش سوریه در جنگ داخلی لبنان، فساد حکومتی، رشد تجارت مصرفی و تورم سرسام آور بود اما دلیل اصلی مخالفت اسلامی، افزایش سریع نقش علوی‌ها در رژیم و فرسایش قدرت و موقعیت اقتصادی سنی‌ها بود، در حالی که سنی‌ها پست‌های مهمی در ارگان‌های سیاسی (کابینه، قوه قضاییه، حزب) به عهده داشتند اما قدرت نظامی مؤثر غالباً در دست حافظ اسد و خویشاوندان علوی او بود.

اولین مرحله جهاد در ۱۹۷٦ آغاز شد و چریک‌ها و رهبران علوی، مأموران امنیتی، و مقامات حزبی را مورد هدف قرار دادند، مرحله دیگر جهاد در ژوئن ۱۹۷۹ با کشتن ۳۸ دانشجوی علوی دانشکده افسری در حلب و حملات چشمگیر دیگر به ساختمان‌های دولتی، مراکز پلیس و مراکز حزب بعث آغاز شد. در مارس ۱۹۸۰ و در هفدهمین سالگرد کودتای حزب بعث اعتصاب و اعتراض گسترده شهرهای سوریه را فراگرفت و فلج کرد. اخوان‌المسلمین در سازماندهی این اعتراض‌ها نقش محوری داشت. در همان سال سوءقصدی نافرجام به جان حافظ اسد صورت گرفت که به اخوان‌المسلمین نسبت داده شد. این اتفاق باعث دستگیری و اعدام ده‌ها عضو اخوان شد. این کشمکش میان اخوان و دولت حافظ اسد تا سال ۲۰۰۰ و هنگام مرگ او ادامه یافت.

بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد در آن سال فضای سیاسی جدیدی در سوریه حاکم شد. در آن روزها بسیاری از اعضای اخوان از زندان‌های سوریه آزاد شدند. رهبری اخوان‌المسلمین سوریه همچنان در تبعید بود اما همچنان بسیاری از سوری‌ها از این سازمان حمایت می‌کردند. رهبران این جنبش در ژانویه ۲۰۰٦ در میان تحولات سوریه در مصاحبه‌هایی خواستار تبعید مسالمت‌آمیز و بدون خشونت دولت در دمشق و استقرار یک حکومت مدنی دموکراتیک در این کشور شدند.

۲. اخوان‌المسلمین سوریه و تشکیل حکومت اسلامی

اخوان‌المسلمین سوریه برخلاف اخوان‌المسلمین مصر تا ۱۹۸۰ به دنبال تشکیل حکومت اسلامی نبود گرایش به تشکیل حکومت را می‌توان در پنج مرحله توصیف نمود:

مرحله اول: اخوان سوریه در آغاز پیدایش خویش در ۱۹۳۷ اشاره‌ای به تشکیل حکومت اسلامی نکردند. از نقطه نظر سیاسی خواست آنان رهایی کشورهای عرب و اسلامی از یوغ امپریالیسم و نفوذ خارجی بود و در مورد سیاست داخلی چنین اظهار نظر می‌کردند: «اصلاح و برطرف نمودن عیوب سیستم سیاسی بدین منظور که مردم بتوانند نمایندگان خود را به شیوه‌ای مطمئن و بدون تقلب و بی‌ترس و واهمه از حکومت انتخاب نمایند. نمایندگانی که به هیچ وجه تحت نفوذ قدرتی قرار نگیرند و امور حکومتی را با بی‌نظری مورد انتقاد و نظارت قرار دهند. خواست آنان هم به این ترتیب بود: اصلاح هنجارها، قوانین و دادگاه‌ها به گونه‌ای که عدالت در میان مردم تحقق یابد، حقوق افراد ذی‌حق استیفا گردد، خودکامگی، تجاوز و تباهی باز داشته شوند. اولین هدف اساسی آنان هم توضیح و تفسیر پیام قرآن، قانون اساسی اعراب و مسلمانان به شیوه‌ای که با شرایط زمان کنونی مناسب باشد و معرفی اسلام به مردم به عنوان سرآمد مکتب‌ها بود (موسوی الحسینی،۱۳۷۵: ۱٤۲،۱٤۱).

مرحله دوم: در مرحله دوم که از سال ۱۹٤٦ و در زمان اوج قدرت اخوان‌المسلمین در مصر آغاز گردید. آنها بر آن شدند که با توجه به قدرت انعطاف اصول اساسی اسلام، یعنی قرآن، سنت، اجماع و قیاس، این دین را با شرایط زمانه تطبیق داده و سعادت خلق‌های کشورهای مختلف را، چه از نظر مادی و چه معنوی تأمین نمایند. آنها همچنین بر آن باورند که اسلام مکتب، عبادت، اخلاق، قانون مذهب و حکومت است. آنها در آن زمان هیچ‌گاه به مسئله قانون اساسی و سیستم حکومتی توجهی نمی‌کردند.

مرحله سوم: در مرحله سوم از سال ۱۹۵۱ که قانون اساسی جدیدی برای حکومت سوریه نوشته می‌شد آغاز گردید، اخوان‌المسلمین خواهان آن شد که همان‌گونه که در مصر، اردن، عراق، ایران، افغانستان، عربستان سعودی و یمن اسلام دین رسمی است در قانون اساسی سوریه نیز دین رسمی اسلام اعلام گردد، اما این مسئله مورد قبول دولت سوریه قرار نگرفت و فقط اعلام شد که دین رئیس‌جمهور اسلام باشد، و به این ترتیب در تقاضای آنان اندکی تغییر داده شد و ظاهراً اخوان‌المسلمین خواست اکثریت را

پذیرفت، یا دست کم بدان گردن نهاد.

به هر حال می‌توان گفت که هدف اساسی از این خواست، ایجاد حکومتی مذهبی نبود. حکومت‌های فوق هم هیچ‌یک حکومت الهی نبودند، تمامی آنها شهروندان خویش را در دین و مراسم عبادی آزاد نهاده بودند و حتی بسیاری از آنها ساختار حکومت خود را به شیوه اروپایی «مدرن» کرده بودند (موسوی‌الحسینی،۱۳۵۷: ۱٤۲، ۱٤۱).

مرحله چهارم: مرحله چهارم از سال ۱۹۷٦ آغاز می‌شود و دلیل اصلی آن افزایش سریع نقش علوی‌ها در رژیم است بنابراین در این مرحله اخوان خواهان سهمی از قدرت است نه تشکیل حکومت اسلامی (دکمجیان ،۱۳۸۳ :۲۰٦).

مرحله پنجم: مرحله پنجم با شکست اخوان در سال ۱۹۸۰ و تأسیس جبهه اسلامی سوریه شروع می‌شود جبهه اسلامی به دبیرکلی شیخ محمد ابوالنصر البینونی و از اخوان جناح تندرو مخالف عصام عطار و بعضی علما و گروه‌های اسلام‌گرای کوچک‌تر تشکیل می‌شد این جبهه در ۹ نوامبر ۱۹۸۰ اعلامیه‌ای را صادر کرده بود که حاوی برنامه‌اش بود این برنامه‌ها عبارت بودند از:

۱- درخواست از عقلای جامعه علوی مبنی بر سرنگونی رژیم برادران اسد به منظور جلوگیری از تراژدی جنگ داخلی.

۲- درخواست رهایی تمام شهروندان از ستم استبداد، از بین بردن زندان‌های سیاسی، برقراری آزادی فکر و بیان و حفظ حقوق اقلیت‌ها.

۳- درخواست تشکیل یک حکومت معتقد به تفکیک قوا و دولت قانونی متکی به شورا، که شرافت فردی و آزادی را تضمین کند.

٤- حمایت از مالکیت کامل زمین از سوی کشاورزان و کوتاه کردن دست واسطه‌ها و دولت از بخش کشاورزی

۵- انتقال مالکیت صنایع ملی از دولت به کارگران به عنوان پاداش کافی.

٦- مخالفت با نقش دولت به عنوان تاجر، حمایت از بخش آزاد خصوصی در تجارت و صنعت و تشویق صنعتگران.

۷- تعهد به سوسیالیسم اسلامی برای گسترش عدالت اجتماعی در قانون شرع اسلامی.

۸- تعهد به جهاد به عنوان یک وظیفه بسیار مهم در اسلام به منظور تبدیل رژیم فرقه‌ای فعلی به یک حکومت اسلامی.

۹- تقویت ناسیونالیسم و وحدت عربی در محیط بزرگ‌تر همبستگی اسلامی.

۱۰- بی‌طرفی در امور خارجی.
۱۱- مخالفت سازش ناپذیر با اسرائیل و صهیونیسم.

تنها در مرحله پنجم و از سال ۱۹۸۰ است که اخوان‌المسلمین به تشکیل حکومت اسلامی توجه می‌کند (دکمجیان ، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۰۸).

در سال ۱۹۸۲ شورش گسترده‌ای از سوی اخوان‌المسلمین صورت می‌گیرد و اخوان شهر حماء را به کنترل خود در می‌آورد. درگیری بین ارتش و اخوان سه هفته طول می‌کشد و ارتش به بمباران هوایی شهر حماء می‌پردازد که طی این درگیری‌ها ۲۵۰۰۰ نفر غیرنظامی کشته می‌شوند و اخوان به شدت تضعیف می‌شود. اخوان در طول دهه ۱۹۸۰ به دلیل تلفات وارده و اختلاف میان رهبران بلندپایه (معتقدان به اصول به رهبری عدنان عقله و سازش‌طلبان به رهبری عدنان سعدالدین) و درگذشت رهبرانی چون بینونی (۱۹۸۸) و سعید حوا (۱۹۸۹) تضعیف شد.

در دهه ۱۹۹۰ گرچه شورش‌های مسلحانه به سبک اوایل دهه ۱۹۸۰ وجود ندارد با این وجود رهبران اخوان‌المسلمین در تبعید، اقدامات حکومت را مورد نقد قرار می‌دهند و از جمله خانواده اسد را متهم می‌کنند که به خاطر پول حاضر به تجارت صلح با اسرائیل شده است. (امامی،۱۳۷٦:۱۸۵).

در سال ۲۰۰۰ حافظ اسد فوت کرد، برخی عنوان کردند که اخوان احتمالاً اقدام به شورش علیه جانشین او بشار اسد می‌کند ولی در واقع اخوان سوریه آن چنان ضعیف شده بود که نتوانست اقدامی علیه دولت نوپای بشار اسد صورت دهد علی‌رغم افول اخوان این روند با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ متحول شد. وقوع این حوادث و شروع موج تبلیغات ضداسلامی از طرف غرب و حمله آمریکا به دو کشور اسلامی و تهدیدات آمریکا و اسرائیل نسبت به سوریه موجب رشد احساسات اسلام‌گرایانه در میان کشورهای خاورمیانه و از جمله سوریه شد، دولت بشار اسد درصدد برآمد تا با حمایت اسلام‌گرایان جدید بخصوص اخوان، از آن در جهت مقابله با تهدیدات خارجی استفاده کند همین امر عامل اصلی گسترش اخوان در سال‌های اخیر می‌باشد، در واقع دولت سوریه با بازکردن فضا برای فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا زمینه فعالیت مخالفان خود را فراهم کرده است.

۳. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی اخوان‌المسلمین سوریه

به‌طورکلی می‌توان گفت انقلاب سلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی دو نوع تأثیر داشته

است تأثیر مستقیم و تأثیر غیرمستقیم. منظور از تأثیر مستقیم آن است که این دسته از گروه‌های اسلامی در اثر ارتباط مستقیم با ایران و گاه با تشویق و تایید جمهوری اسلامی به وجود آمدند، اما تأثیر غیرمستقیم به مفهوم وجود ارتباط مستقیم میان جنبش‌های اسلامی با جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه وقوع انقلاب اسلامی و اهمیت آن باعث شده است تا جنبش‌های اسلامی که از قبل وجود داشته و گسترده هم بودند اما به علل مختلف منفعل شده بودند فعال شده و به طور مستقل درپی رسیدن به جامعه سیاسی اسلامی باشند.

در ارتباط با تأثیر مستقیم انقلاب می‌توان گفت در برخی کشورهای اسلامی تا قبل از وقوع انقلاب ایران حرکت‌ها و جنبش‌های مذهبی یا به‌طورکلی وجود نداشتند و یا چنانچه از موجودیت نیز برخوردار بودند، فعالیتشان چشمگیر نبود. در واقع در این کشورها گروه‌های اسلامی دو نوع می‌باشند: نخست جنبش‌هایی که قبل از انقلاب اسلامی ایران وجود نداشتند و تنها پس از آن تأسیس شدند و دست به فعالیت زدند مثل حزب‌الله در لبنان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و جبهه اسلامی برای آزادی بحرین در کشور بحرین، دوم گروه‌ها و جنبش‌هایی که هر چند قبل از انقلاب اسلامی به طور رسمی تأسیس شده بودند، اما فعالیت عمده و گسترده‌ای نداشتند و بیشتر به اقدامات اسلامی در سطح کوچک بسنده می‌کردند و سیاست انفعالی در قبال دولت‌های حاکم داشتند. این گروه دوم پس از وقوع انقلاب سلامی در ایران، و با الگو و الهام گرفتن از آن، سیاست فعالی در پیش گرفتند و از نظر کمی و کیفی به رشد قابل ملاحظه‌ای دست یافتند مثل جنبش امل در لبنان و سازمان انقلاب اسلامی در جزیره عربستان.

به طور خلاصه می‌توان گفت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی به دو صورت تشکیل دهنده و گسترش دهنده جنبش اسلامی خود را نشان داد و جنبش‌های اسلامی در کشورهای لبنان، عراق، کشورهای کوچک حوزه خلیج‌فارس، عربستان، تونس، فلسطین و شمال آفریقا تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی بوده است.

اما انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی در کشور مصر و سوریه به علت اینکه اخوان‌المسلمین در آنها سابقه‌ای طولانی داشت تأثیر غیرمستقیم از خود به جا گذاشت این تأثیر به دو صورت بوده است:

۱- رادیکال شدن خط مشی برخی از جنبش‌های اسلامی و توسل آنها به شیوه‌های قهرآمیز.

۲- فعال شدن مجدد جنبش‌هایی که میانه‌رو بودند و در برابر دولت‌ها به شیوه‌های

مسالمت جویانه رفتار می‌کردند (احمدی،۱۳٦۹:۱۱).

نمونه رادیکالیسم در مصر سازمان الجهاد به رهبری عبود الزمر بود که در سال ۱۹۸۱ انور سادات را ترور کرد. به گفته عبود الزمر، الجهاد سعی داشت به شیوه انقلاب ایران در جریان یک انقلاب اجتماعی و مردمی مردم را در برابر ارتش مصر قرار دهد و میان صفوف ارتش اختلاف ایجاد کند. نمونه فعال شدن مجدد در مصر اخوان‌المسلمین بود که فعالیت خود را گسترش داد و کتابی تحت عنوان «خمینی آلترنانیو اسلامی» منتشر ساخت و در آن امام خمینی و جمهوری اسلامی را تنها راه حل اسلامی برای نظام‌های وابسته دانست.

در مورد تأثیر انقلاب ایران بر جنبش اسلامی سوریه می‌توان گفت جنبش اسلامی سوریه، بهترین نمونه رادیکال شدن گروه‌های اسلامی تحت تأثیر انقلاب ایران بوده است. در سوریه جنبش اخوان‌المسلمین در دهه ۱۹۸۰ فعالیت‌های خود علیه دولت بعث را گسترش داد و به نبرد مسلحانه وسیع و گسترده متوسل شده گرچه اخوان سوریه همیشه از اخوان مصر تندروتر بوده است اما شدت این تندروی تا قبل از دهه ۱۹۸۰ چندان مشهود نبود پس از پیروزی انقلاب اسلام در ایران در فوریه ۱۹۷۹ حملات اخوان علیه رژیم بعث گسترش یافت و جنبش اسلامی سوریه درصدد برآمد به شیوه مسلمانان ایران به یک انقلاب اسلامی متوسل شود (احمدی، ۱۳٦۹، ۱۱۸). رویارویی با رژیم در (ژوئن ۱۹۷۹) چهار ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و طی آن اخوان‌المسلمین به مدرسه نظامی سوریه در "اله پو" حمله کرد. در این تهاجم تروریستی، دانشجویان نظامی را در ساختمانی حبس کردند و از بیرون با سلاح‌های خودکار وبمب‌های آتش‌زا، هشتاد و سه تن از آنان را به قتل رساندند.

برای سازمان دادن این عملیات علیه دولتی که معروف به داشتن نظام امنیتی بود، اخوان‌المسلمین به حمایت‌های توأمان سوریه و اردن متکی بود. دو کشور اردن و اسرائیل کوشش چندانی هم نکردند که این حمایت را مخفی نگه دارند و رسماً برای جنگجویان اخوان‌المسلمین در لبنان و شمال اردن ، نزدیکی‌های مرز سوریه، پایگاه‌های آموزش نظامی ایجاد کردند. اسرائیل کمک‌هایی را به سمت لبنان سرازیر کرده بود که بخشی از آن سهم نیروهای لبنان آزاد (Free Lebann Force) بود. این ارتش غیردولتی، مرکب از نظامیان اغلب مسیحی و عده‌ای هم شیعه در جنوب لبنان بود که به فرماندهی سرگرد سعد حداد اداره می‌شد. در سال ۱۹۷۸ که گرماگرم جنگ داخلی لبنان بود، اسرائیل بیست‌هزار سرباز به لبنان فرستاد که در عقب‌نشینی، قسمتی از لبنان را در سلطه‌ی نیروهای لبنان آزاد سرگرد سعد حداد به جا گذاشت که تا اواسط ۱۹۸۰ متحد

اسرائیل باقی ماند. در سلسله بیانیه‌هائی که سرگرد حداد در اوائل دهه‌ی هشتاد صادر می‌کرد، لاف می‌زد که به اخوان‌المسلمین آموزش نظامی می‌دهد (دریفوس،۲۰۰۵).

دولت سوریه در ژوئیه ۱۹۸۰، مجازات همکاری با اخوان را مرگ اعلام کرد. در اکتبر ۱۹۸۰ اخوان در سوریه در ائتلاف با چند گروه دیگر اسلامی جبهه اسلامی سوریه (الجبهه الاسلامیه فی سوریا) را به وجود آورد و در نوامبر ۱۹۸۱ سندی تحت عنوان بیانیه انقلاب اسلامی در سوریه و برنامه آن (بیان الثوره الاسلامی فی سوریا و منهاجها) منتشر ساخت و اهداف خود را در آن بیان کرد که سرنگونی رژیم بعث اصل نخست بیانیه بود و یکی از اهداف دیگر آن دست زدن به جهاد مسلحانه علیه نظام و تبدیل حکومت بعث به یک حکومت اسلامی عنوان گردید.

شورش‌های گسترده شهر حماه و حلب در فوریه ۱۹۸۲، اوج درگیری جبهه اسلامی با حکومت بعث بود. این قیام سه هفته به طول انجامید و با سرکوب شدید نیروهای اخوان از سوی ارتش پایان یافت. به گفته منابع غیررسمی در این درگیری‌ها که شامل بمباران هوایی شهر حماه بود، ۲۵۰۰۰ نفر غیرنظامی کشته شدند. رهبران عمده جبهه اسلامی نیز به خارج گریختند. مجلس ملی را به هشیاری و احساس مسؤولیت فراخواند (محمدی ،۱۳۸٦:۲۱۷). این گروه غیرقانونی افزود: اصرار نظام حاکم بر ادامه سیاست‌های ظالمانه و استبدادی، پیامدهای ویرانگری را گریبانگیر میهن و ملت سوریه خواهد کرد (روزنامه ایران. سه شنبه ۱٦فروردین ۱۳۸٤).

اخوان‌المسلمین سوریه، همچنین از تن دادن نظام حاکم به فشارهای خارجی و خودداری از پذیرش ابتکار عمل احزاب و نیروهای سیاسی سوری برای برقراری آشتی ملی انتقاد کرد این گروه که همچنان اعضای آن طبق قانون شماره ٤۹ سال ۱۹۸۰ سوریه با مجازات اعدام روبه‌رو هستند، این ادعا را که کنگره ملی حزب بعث راه‌گشای اصلاحات داخلی خواهد بود، رد کرد و خواستار اقدام جدی برای تشکیل یک کنگره ملی شد که همه گرایش‌های فکری و احزاب سیاسی را در برگیرد. اخوان‌المسلمین سوریه در بیانیه خود توصیه کرد: لغو ماده هشتم قانون اساسی که حزب بعث را حزب رهبر جامعه می‌داند، باید در اولویت برنامه‌های کنگره ملی باشد و در کنار قانونمند کردن فعالیت احزاب، انتخابات آزادی برای تأسیس جمعیت ملی پارلمان برگزار و کمیته بی‌طرفی برای تدوین قانون اساسی سوریه تشکیل شود. این گروه در فراخوان خود پیشنهاد کرد که کنگره ملی حداکثر طی چند ماه آینده تشکیل شود، تا گام‌های واقعی برای ایجاد اعتماد میان نظام حاکم و نیروهای سیاسی سوری برداشته شود (روزنامه ایران. سه‌شنبه ۱٦ فروردین ۱۳۸٤).

جنبش اسلامی سوریه انگیزه زیادی جهت برپایی حکومت اسلامی از انقلاب اسلامی ایران گرفت. این نکته بارها از سوی خود اخوان مورد تأکید قرار گرفته است آنها در ابتدا حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلام داشتند (محمدی، ۲۱۷:۱۳۸٦). نشریه «النذیر» ارگان جبهه اسلامی سوریه در مه ۱۹۸۰ بیانیه‌ای به چاپ رساند که در ماده اول آن گفته شده بود: "انقلاب اسلامی ایران، انقلاب تمام جنبش‌های اسلام در جهان اسلام است هر چند که ممکن است مکاتب فکری مختلفی میان این جنبش‌ها وجود داشته باشد"(محمدی،۲۱۷:۱۳۸٦). در ماده دوم بیانیه تأکید شده بود هرگونه توسل به زور علیه انقلاب اسلامی ایران و هرگونه خیانت به آن از طرف دیگر، در آینده به تمام جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان ضربه خواهد زد.

در این بیانیه از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا و غرب در جریان گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران حمایت شده و از آمریکا خواسته شده بود که حملات خود علیه جمهوری اسلامی ایران را متوقف کند. جبهه اسلامی سوریه همچنین تأکید کرده بود که در طول هزار سال تاریخ گذشته اسلام هیچ حادثه‌ای نظیر انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی میان مسلمانان وحدت ایجاد نکرده است (محمدی ، ۲۱۸:۱۳۸٦).

جبهه اسلامی سوریه همچنین اولین جنبش اسلامی بود که از اصطلاح انقلاب اسلامی استفاده کرد و در نشریات خود به انقلاب اسلامی سوریه اشاره نمود. به گفته جبهه اسلامی، انقلاب اسلامی سوریه همانند انقلاب اسلامی ایران، نه در غرب و نه در شرق هیچ حامی ندارد و همچنین در بیانیه انقلاب اسلامی در سوریه، جمهوری اسلامی در ایران تنها حکومت اسلامی موجود در جهان عنوان شده بود. (محمدی، ۱۳۸٦: ۲۱۹).

با این وجود، نظر جبهه اسلامی و اخوان‌المسلمین پس از حوادث ۱۹۸۲ و بویژه سال ۱۹۸۳ نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد، که علت عمده آن عدم حمایت جمهوری اسلامی ایران از اخوان در جریان شورش‌های ۱۹۸۲ بود. جبهه اسلامی از ادامه روابط حسنه میان ایران و سوریه دل‌گیر بود. بویژه زمانی که دکتر علی‌اکبر ولایتی وزیر امورخارجه ایران و حجه‌الاسلام صادق خلخالی اخوان‌المسلمین را مورد انتقاد قرار دادند، جبهه اسلامی سوریه بسیار ناراحت شد. اخوان‌المسلمین اعلام کردند که علی‌رغم حمایت بی‌دریغ از جمهوری اسلامی و امام خمینی در برابر آمریکا و رژیم صدام حسین، دولت ایران با رژیم کافر بعثی حاکم بر سوریه از در دوستی درآمده است و اخوان را که مجاهدین فی سبیل‌الله هستند و جهت برپایی انقلاب تلاش می‌کنند

امپریالیسم آمریکا می‌داند. پس از آن در سال ۱۹۸۳ اخوان‌المسلمین سوریه مدعی شد که به هیأت جبهه اسلامی سوریه تحت رهبری عدنان سعدالدین اجازه ملاقات با امام خمینی در تهران داده نشده است و همین موضوع از نظر حامد الگار عامل گرایش جناح‌هایی از اخوان به رژیم بعثی صدام حسین در عراق شد. به‌هرحال بخش عمده‌ای از اعضا و رهبری جبهه اسلامی پایگاه‌های خود را به عراق منتقل ساختند و گروه پس از چندی تحت فشار عراق حملات تبلیغاتی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. مجله النذیر ارگان جبهه اسلامی از این به بعد مدام علیه جمهوری اسلامی و مواضع آن مطالبی را منتشر ساخت با این وجود تمامی رهبران جبهه اسلامی به طرفداری از عراق موضع‌گیری نکردند. بویژه عدنان عقله یکی از رهبران جبهه اسلامی سوریه به دلیل انتقاد از حمایت عدنان سعدالدین رهبر جبهه اسلامی از عراق، و نیز طرفداری عقله از ایران، از جبهه اسلامی اخراج شد. برخی از رهبران جنبش اسلامی سوریه نظیر عصام العطار رابطه خوبی با جمهوری اسلامی داشت و گفته بود که سیاست خارجی ایران در قبال سوریه را با توجه به مشکلات ایران در جنگ درک می‌کند (موسوی الحسینی،۱۳۷۵:۱۵۰).

ایران به علل مختلفی به جنبش اخوان‌المسلمین توجه نشان نداد که عبارات بودند از:

۱- سلامت فکری حرکت مذهبی اخوان‌المسلمین از نظر رهبران انقلاب اسلامی مورد تردید بود زیرا که از ابتدا رهبران اخوان سوریه در مواضع اقتصادی خود به سوسیالیسم اسلامی عقیده داشتند (عنایت، ۱۳۵۸:۲۹).

۲- بعضی علت آن را این دانسته‌اند که انقلاب ایران یک انقلاب شیعی بوده است در صورتی که جنبش اخوان یک جنبش سنی مذهب است.

۳- عده‌ای دیگر این مسأله را از زاویه نیاز انقلاب اسلامی به حمایت دولت سوریه به عنوان یک کشور عربی در میان سایر کشورهای عرب از ایران بررسی کرده‌اند و علت آن را نیاز متقابل دو دولت با توجه به شرایط خاص زمانی عنوان کرده‌اند زیرا مسأله جنگ ایران و عراق و اختلاف عراق و سوریه خود باعث نزدیکی دو دولت ایران و سوریه شده است (محمدی، ۱۳۸٦:۲۲۰،۲۲۱).

تجزیه وتحلیل

وقوع انقلاب اسلامی در دورانی که دو ایدئولوژی لیبرالیسم وسوسیالیسم جهان را

تفسیر و تقسیم کرده بودند با تأکید بر دین به عنوان ایدئولوژی حاکم بر انقلاب نشان از دین‌گرایی این انقلاب بود. در واقع می‌توان گفت در زمانی که هیچ‌کس به دین به عنوان یک ایدئولوژی تأثیرگذار نگاه نمی‌کرد و جنبش و نهضت‌های اسلامی در رکود و ناامیدی به سر می‌بردند و آرمان‌های خود را بیشتر در قالب ایدئولوژی سوسیالیستی دنبال می‌کردند و دین در انزوا قرار گرفته بود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران که برمبنای ارزش‌های دینی و اسلامی صورت گرفت، دوباره دین را به عنوان یک موتور محرکه و تأثیرگذار در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی که توان بسیج توده‌های مردم را دارد برجسته کرد و خون تازه‌ای در رگ‌های جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و سایر مناطق اسلامی دمید که با تأسی و الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران ساختار نظام بین‌الملل را به چالش کشید و در پی ایجاد نظمی جدید در نظام بین‌الملل مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و دینی، که از نمونه‌های بارز این جنبش‌ها می‌توان به جنبش اخوان‌المسلمین سوریه اشاره نمود. گرچه انقلاب اسلامی ایران نقشی در تشکیل جنبش اخوان‌المسلمین سوریه نداشت، اما نمی‌توان از نقش انقلاب اسلامی ایران در گسترش رادیکالیسم در میان جنبش اخوان‌المسلمین به راحتی گذشت.

در مجموع می‌توان گفت، انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی دو نوع تأثیر داشته است. مستقیم و غیرمستقیم که تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اخوان‌المسلمین سوریه بنابه دلایل ذیل غیرمستقیم بوده است.

۱- با توجه به اینکه جنبش اخوان‌المسلمین سوریه یک جنبش سنی مذهب بوده و در تضاد با انقلاب اسلامی ایران که مبتنی بر مذهب تشیع و آرمان‌های شیعه بود، قرارمی‌گرفت.

۲- روابط خوب میان دولت ایران و سوریه که تنها دولت عربی حامی جمهوری اسلامی ایران در زمان جنگ تحمیلی بود، موجب تیرگی روابط میان جمهوری اسلامی ایران با جنبش اخوان‌المسلمین سوریه گردید.

۳- جنبش اخوان‌المسلمین در مواضع اقتصادی بیشتر ملهم از ایدئولوژی سوسیالیسم بود تا انقلاب اسلامی ایران.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اخوان‌المسلمین سوریه شاخه‌ای از اخوان‌المسلمین مصر بود که با آن عقایدی مشابه

داشت. با این تفاوت که برخلاف اخوان مصر تا سال ۱۹۸۰ به دنبال تشکیل حکومت اسلامی نبود، به نوعی سوسیالیسم اسلامی اعتقاد داشت، و رادیکال‌تر از اخوان مصر بود، در ابتدا جهت مبارزه با رژیم قیمومیت فرانسه و استعمار و افزایش توجه مردم به اسلام به وجود آمد و پس از استقلال سوریه و قدرت گرفتن رژیم سکولار بعث، مبارزه با این رژیم را هدف خود قرار داد.

انقلاب اسلامی ایران تأثیر غیرمستقیمی بر آن داشت چرا که اخوان در زمان وقوع انقلاب، جنبشی گسترده بود و طرفداران زیادی داشت و انقلاب ایران نقشی در تشکیل یا گسترش آن نداشت، انقلاب ایران تنها منجر به رادیکال‌تر شدن این جنبش شد، در ابتدا رهبران این جنبش از انقلاب ایران حمایت کرده و به تمجید و تعریف از آن پرداختند اما بی‌توجهی رهبران ایران و طرفداری آن از دولت سوریه منجر به دل‌زدگی اخوان از ایران شد و حتی برخی از رهبران آن به دشمنی با ایران پرداختند.

کتابنامه:

- احمدی،حمید.(۱۳٦۹)، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم. تهران:انتشارات سفیر.
- امامی،محمدعلی.(۱۳۷٦)، سیاست و حکومت در سوریه. تهران:انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- برزین،سعید.(۱۳٦٥)،تحول سیاسی در سوریه. تهران:شرکت سهامی انتشار.
- پروازی،مریم.(۱۳۸٤)،"نقش و تأثیر امام خمینی(ره) در فلسطین، لبنان، سوریه و اردن" پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- حشمت‌زاده،محمدباقر.(۱۳۸٥)،تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی. تهران:سازمان انتشارات.
- موسوی خمینی(ره) سیدروح‌الله.(۱۳۷۲)، صحیفه نور، ج۵، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دکمجیان،هرایر.(۱۳۸٥)،جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب. ترجمه حمید احمدی. تهران:شرکت انتشارات کیهان.
- سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران.(۱۳٥۹)،بررسی برخی از جنبش‌های رهایی‌بخش خلق عرب مصر، الجزایر، عراق، لیبی، سوریه. تهران:انتشارات سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران.
- سعیدی،ابراهیم.(۱۳۷٤)،سوریه. تهران:انتشارات وزارت امور خارجه.
- سوریه.(۱۳٦۲)،مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران:انتشارات مؤسسه

مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- صدیقی،کلیم. (۱۳۷۵)، مسائل نهضت‌های اسلامی، ترجمه:سیدهادی خسروشاهی، تهران:اطلاعات.
- عنایت،حمید.(۱۳۵۰)، اسلام و سوسیالیسم در مصر. تهران:انتشارات موج.
- عنایت،حمید.(۱۳۵۸)،سیری در اندیشه سیاسی عرب از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم. تهران:انتشارات سپهر.
- محمدی،محمد.(۱۳۸٦)،بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران:سازمان انتشارات.
- مشکور، محمدجواد، غروی اصفهانی، حسن."علویان در سوریه". دوره ١٤، ش ١٦٣ (اردیبهشت ٥٥).
- موسوی‌الحسینی،اسحاق.(۱۳۷۵)، اخوان‌المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر. ترجمه سید هادی خسروشاهی. تهران:انتشارات اطلاعات.

مقاله:

- روزنامه جمهوری اسلامی،(۱۲/۸/ ۱۳۵۸).
- بن‌چناری،میثم طاری.(۱۳۸۲)،"کنترل و بهره برداری دوگانه دولت سوریه با اسلام گرایان"، روزنامه شرق۸۲/۹/۲۰.
- یوسفی‌اشکوری،حسن. نشریه:همبستگی،۱۳۷۸/۱۱/۷، عنوان:"پیدایش و گسترش اخوان‌المسلمین مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی"،شماره مقاله۳۳۳.
- رابرت دریفوس.(۲۰۰۵)،"چگونه ایالات متحده به فعال شدن اسلام بنیادگرا کمک کرد"،ترجمه: فریدون گیلانی.برگرفته از: آدرس مطلب این

Socialist Party Of Iran http://www.spi-ost.com

- http://www.spiost.com/modules.php?name=Newsfile=article&sid=٦٣.
- https://www.aftab.ir/articles/religion/religion/c7c1143715050_islamic_revolution_pp.
- www.tebyan.net//tondar59/post.aspx?PostID=4757a.wikipedia.org/wik
- ast@uarterly.wikipediamidle. aftab.ir/news/2005/apr/05/c1c1112700110ph .
- www.afkarenow.com/jonbesh%20ha/jonbesh%20ekhvan.htm .
- www.mehrdel.blogfa.com/post-12.aspx.